

فلسفه

دیباچه: "فلسفه به انسان کمک می‌کند تا به اوج کمال نایل آید و به سعادت که از طریق نیل به عالم معقولات حاصل می‌شود، دست بیابد. پس فلسفه نه فقط از لحاظ فواید آن مورد توجه است بلکه فی‌نفسه نیز مطلوب است و از آن نمی‌توان صرف‌نظر کرد." "ارسطو، فیلسوف مشهور یونانی"

"فلسفه ناشی از بی‌عقلی و عدم رشد آگاهی انسان است و اگر بشر به حدی از رشد و آگاهی رسید، نیاز به فلسفه ندارد." "اگوست کنت، دانشمند، فیلسوف و ریاضیدان مشهور فرانسوی"

دو عبارت فوق نشانگر دو دیدگاه متفاوت درباره فلسفه است که در طی قرون متمادی وجود داشته و گاه یکی بر دیگری چیره شده است؛ یعنی همیشه در طول تاریخ عده‌ای از متفکران، فلسفه را دوست داشتن خردمندی و فیلسوف را دوستدار خردمندی معرفی کرده و عده‌ای دیگر فلسفه را هنر لفاظی و بازی کردن با واژه‌ها دانسته‌اند. راستی، فلسفه چیست و چه حیظه‌ای را در برمی‌گیرد که چنین دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن وجود دارد؟ برای تعریف فلسفه بهتر است که تفاوت آن را با سایر علوم توضیح داد چرا که سایر علوم هر یک به بخشی از موجودات عالم هستی می‌پردازند و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. برای مثال یک گیاه‌شناس از بین همه موجودات هستی فقط گیاه را گزینش کرده و درباره آن سخن می‌گوید یا یک ستاره‌شناس تنها اجرام آسمانی را مطالعه می‌کند، اما فلسفه درباره یک موجود گزینش شده سخن نمی‌گوید. بلکه همه امور را در عالم هستی مورد بررسی قرار داده و با تمام موجودات سر و کار دارد. مثلاً در فلسفه از خدا گرفته تا انسان، از عالم طبیعت گرفته تا ماوراء طبیعت و از روح انسان و موجودات غیرمادی گرفته تا اجسام، مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. تفاوت دوم فلسفه با سایر علوم در این است که در فلسفه مسائلی عام و کلی که درباره هر موجودی قابل طرح است، مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد. برای مثال این سؤال که یک موجود مادی است یا غیرمادی، درباره هر موجودی از خدا گرفته تا یک تکه

سنگ قابل طرح است. این دو فرق اساسی فلسفه با سایر علوم باعث شده که این علم بتواند به سؤالاتی پاسخ دهد که پاسخش بر عهده هیچکدام از علوم خاص به خصوص علوم تجربی نیست و در واقع وظیفه این علوم پاسخ به این گونه سؤال‌ها نیست. در حالی که این‌گونه سؤال‌ها برای انسان کنجکاو مطرح است و نمی‌توان به انسان دستور داد که درباره این مسائل فکر نکند. بلکه دانش خاصی لازم است که عهده‌دار و پاسخگوی سؤال‌هایی درباره هستی، موجودات و حقیقت انسان باشد و فلسفه همین دانش خاص است. رشته فلسفه نیز یک رشته آموزشی است که کلیه پرسش‌های بنیادی انسان را نسبت به مسائل وجود، هستی، جهان پیرامون انسان و حقیقت انسان بررسی می‌کند. پرسش‌هایی که زمانی به ارزش‌های دینی و معنوی برمی‌گردد که همان فلسفه دینی است و زمانی مربوط به ارزش‌های اخلاقی و مبانی ارزش‌های اخلاقی است که به عنوان فلسفه اخلاق آن را می‌شناسیم و گاه مبانی نظام حکومتی را در برمی‌گیرد که همان فلسفه سیاسی است و گاهی نیز شامل مبانی هنر و زیبایی‌شناسی و موضوعاتی از این دست می‌شود. البته در دوره کارشناسی رشته فلسفه، دانشجویان بیشتر شناخت مفصلی درباره تاریخ فلسفه غرب به دست می‌آورند؛ یعنی سیر تاریخی فلسفه را از فلسفه یونان تا زمان حاضر و تا حدودی نیز سیر تاریخی فلسفه اسلامی را مطالعه و بررسی می‌کنند. گفتنی است که در کشور ما فلسفه اسلامی و فلسفه غرب به عنوان دو گرایش تحصیلی متفاوت ارائه شده است؛ یعنی رشته فلسفه در معنای عام آن به فلسفه غرب می‌پردازد و رشته الهیات گرایش فلسفه اسلامی، فلسفه و حکمت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. سیستم آموزشی نیز در این دو رشته تا حدودی تفاوت دارد؛ چون سیستم آموزش فلسفه غرب در کشور ما بیشتر براساس سیر تاریخی است اما سیستم آموزش فلسفه اسلامی براساس مکاتب فلسفی مثل فلسفه مشاء، اشراق یا ملاصدرا می‌باشد. هر چند که دانشجویان هر یک از این دو رشته مطالعات محدودی نیز در زمینه فلسفه دیگر دارند؛ یعنی دانشجویان فلسفه غرب واحدهایی را در زمینه فلسفه

اسلامی و دانشجویان فلسفه اسلامی واحدهایی را در زمینه فلسفه غرب می‌گذرانند.

توانایی‌های لازم :

یکی از راه‌های موفقیت در فلسفه، آشنایی اولیه با ریاضیات و مباحث ریاضی است. در واقع ریاضیات پلی مناسب برای رفتن به طرف فلسفه است. علاقه‌مندی به فلسفه نیز یکی دیگر از عوامل موفقیت در این رشته است. آشنایی کامل به زبان انگلیسی برای دانشجویان فلسفه غرب و آشنایی به زبان عربی برای دانشجویان فلسفه اسلامی ضروری است. موقعیت شغلی در ایران :

رشته فلسفه اهمیت بنیادی در ارتقاء سطح فکری جامعه دارد چرا که هر جامعه نیازمند افرادی است که اهل تفکر و نقادی باشند و مسائل فرهنگی را فهمیده و مبانی فرهنگی را تشخیص دهند و رشته فلسفه وظیفه پرورش چنین متفکرانی را برعهده دارد. اما متأسفانه این رشته با همه اهمیتش در جامعه ما بسیار مظلوم واقع شده و مورد بی‌توجهی و بی‌مهری دست‌اندرکاران نظام قرار گرفته است تا جایی که فارغ‌التحصیلان آن حتی موفق به استخدام در آموزش و پرورش - که متعارف‌ترین زمینه کاری برای یک لیسانس فلسفه است - نمی‌شوند. فارغ‌التحصیل فلسفه از نظر شغلی یا باید به عنوان استاد و معلم فلسفه به تدریس فلسفه بپردازد یا در مراکز پژوهشی مثل دایره المعارف‌ها و پژوهشگاه علوم انسانی فعالیت کند که البته در چنین مراکزی بیشتر فارغ‌التحصیلان فوق لیسانس و دکترای فلسفه فعالیت دارند و یک لیسانس فلسفه در صورتی که فعال و علاقه‌مند باشد، می‌تواند به عنوان دستیار پژوهشگر در بعضی از این مراکز مشغول به کار گردد. درس‌های این رشته در طول تحصیل :

دروس اصلی و تخصصی:

منطق قدیم، منطق جدید، منتخب متون کلامی و فلسفی، تاریخ فلسفه اسلامی، علم کلام، فلسفه اسلامی، فلسفه اخلاق در تفکر غربی،

اخلاق در تفکر اسلامی، عرفان نظری، تاریخ فلسفه یونان، تاریخ فلسفه قرون
وسطی تا رنسانس، تاریخ فلسفه از "بیکن" تا "هیوم"، تاریخ فلسفه از
"کانت" تا نیمه دوم قرن نوزدهم، تاریخ فلسفه جدید و معاصر، فلسفه معاصر
و مکاتب جدید قرن بیستم، متون فلسفی به زبان خارجی، متون فلسفی به
زبان عربی، متافیزیک در غرب، فلسفه علوم